جايگاه دکترين مهدويت در اسلام از منظر قرآن کريم

سيد منذر حکيم

اشاره:

اهداف بلند اسلام راستين در امامت تجلي يافته است و تحقق اهداف رفيع و گستردة امامت در مهدويت به ثمر مي نشيند.

و مهدويت در فردي معصوم از تبار خاتم پيامبران تجلّي يافته است تا برگ برنده و زرّين تحقق تمام و کمال اهداف رسالتهاي الهي در طول تاريخ را از آنِ خود کند و قدرت دين را همراه حکمت و رحمت بر گسترة زمين برافراشته نموده و بشريت سرگردان را به سر منزل معبود و مقصود هدايت نمايد.

قرآن کريم روشي ويژه و منحصر به فرد براي مطرح نمودن دکترين مهدويت به کار گرفته است و تمام اصول خود را در اين الگو نهادينه نموده است. و با توجه به سنّتهاي تخلّف ناپذير الهي و نويد و تحقق اين آرمان بزرگ الهي را به بشريت داده است و منتظران راستين امام مهدي عجل الله فرجه اشريف را بينشي روشن و مسيري صحيح و انگيزه اي متعالي بخشيده است، و آنان را به سوي سازندگي همه جانبه در دوران انتظار دعوت نموده و شاخصها و ويژگيهاي منتظران را نيز ترسيم کرده است.

کليد واژه ها:

1. قرآن کريم؛

2. اسلام؛

3. دکترين مهدويت.

1. قرآن کريم، يگانه مرجع وحياني اسلام است که به صورت تدوين شده و مکتوب نيز به دست ما رسيده است.

اعجاز قرآن کريم، دسترسي انسانها به گزاره هاي وحياني آن را آسان نموده است.

از جمله وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمي آن است که قرآن را کتاب علم و دانش، و منبعي سرشار و لايزال قرار داده است، و حقايق و قوانين هستي را در کنار سنّتهاي الهي حاکم بر جوامع بشري ـ به گونه اي بسيار گويا و قابل فهم ـ براي ما انسانها به ارمغان آورده، ما را به تحقيق و پژوهش در اين کتاب آسماني مدوّن و تحريف ناپذير دعوت نموده است.

بنابراين، براي دست يابي به ديدگاههاي آخرين آيين آسماني در باب حقايق جهان هستي و سنّتهاي حاکم بر آن بايد به قرآن کريم مراجعه کرده و از رهنمودهاي اين کتاب نامتناهي و معجزة هميشه جاويد اسلام پيوسته بهره مند شويم، و بسياري از اصول، فروع و نيز اسرار انسان و هستي را از متن و بطن قرآن کريم بيرون کشيده و در فضاي آشوب زدة علوم، عرضه اي زيبا و آراسته از حقايق قرآني داشته باشيم.

2. اسلام، قله هاي رفيع هستي، و قله هاي کمال انساني را بهم پيوند داده، و راهنماي انسان در تمام مراحل هستي بوده است و همواره بهترين و شايسته ترين طرح و برنامه، امکانات و مسير رسيدن به قله هاي کمال انساني را فرا روي انسان نهاده است و آخرين سخن خود را در آخرين آيات وحياني خود ـ براي تمام بشريت ـ به خوبي ترسيم کرده است. آنجا که پيامبر خاتم پس از ابلاغ آخرين پيام الهي، و پايه گذاري مهمترين عامل استقرار حاکميت الهي در جامعه بشري؛ يعني امامت، به دريافت آيه اي رسا از محکمات ام الکتاب نايل مي گردد و آن را براي بشريت به عنوان هديه اي الهي اما بسيار بزرگ و بي بديل به ارمغان مي نهد:

(اليوم اکملتُ لکم دينکم و أتممتُ عليکم نعمتي و رضيتُ لکم الاسلام ديناً).

در چنين روزي با پايه گذاري اصل متين و استوار امامت در نهاد جامعه اسلامي، کامل ترين دين (اسلام) و متمم نعمت هاي الهي (نعمت امامت) بر انسانيت سايه افکنده، و اسلام در اين چهرة زيبا و آسماني تجلي يافته، مترقي ترين آيين الهي براي بشريت گشته است.

تمام نقشه هاي دشمنان اسلام، با بنيان گذاري اصل امامت، نقش بر آب شده و نويد پيروزي جهاني دين مبين اسلام، و شکست مفتضحانة بدخواهان اين رسالت آسماني، عليرغم همة تنگناها و مشکلات، امري مسلّم گشته، استقرار آيين حق در جامعه بشري بدون ترديد و بدون وقفه انجام مي يابد و بشريت به سوي اهداف از پيش تعيين شده در حرکتي پيوسته و تکامل زا و تکامل آفرين خواهد بود.

(اليوم يئس الذين کفروا من دينکم، فلا تخشوهم واخشون).

بنابراين، با توجه به استقرار اصل امامت در نهاد جامعه اسلامي و جامعه انساني، هيچگونه ترس و واهمه اي از تسلط کافران و بدخواهان بر اين مکتب و برنامه الهي، نداشته باشيد؛ زيرا که تمام اميدهاي آنان به يأس و نوميدي تبديل گشته و نبايد به خود هرگونه هراسي را راه دهيد، و به جاي ترس از آنان، از آفريدگار حکيم، دانا، مهربان و تدبير کنندة زندگي تان بترسيد، و در حقيقت از ضعفهاي خود در برابر تکاليف سنگين الهي که بر دوش شما گذاشته شده است و عدم حرکت در راستاي امامت راستين بايد بيم داشته باشيد.

اين پيام بسيار رسا و حکيمانة قرآن کريم، مسير طبيعي و منطقي تمام انسانها را در عصر امامت راستين ـ که پس از ارتحال ملکوتي خاتم پيامبران، عهده دار رهبري جامعة انساني است ـ ترسيم نموده است، و نقش امامت راستين را در طول تاريخ تبيين مي نمايد.

3. مهدويت در اسلام از جايگاه رفيعي برخوردار بوده و آخرين قله از قله هاي امامت راستين براي بشريت است، که در جاي جاي آيات قرآن، ريشه و اصول و پايه هاي آن، و مصاديق و نقش هاي زيبا و حياتي آن گوشزد شده است.

سوره هاي مکي و مدني قرآن، به طور پيوسته و بسيار نغز، حق مداري قوانين الهي و عدالت مداري برنامه هاي اسلام را مطرح مي کند، و ارزشي بودن اين حرکت پيوسته را در امامت راستين اسلام متجلّي نموده، و نمونة بي بديلِ حق گرايي و عدالت مداري را در مهدويت اسلامي خلاصه کرده است.

تجلّي اهداف بلند اسلام در امامت، و تجلّي امامت گسترده و فراگير در مهدويت، و تجلّي مهدويت در فردي از تبار خاتم پيامبران؛ يعني حضرت محمدبن الحسن العسکري عليه السلام به اين معناست که تمام اهداف انبياي پيشين را در مقطع زماني خاص جاري و ساري کرده و برگ زرّين اين پيروزي موعود را در دست قدرت، حکمت و رحمت خود گرفته، بشريت را به سر منزل مقصود مي رساند.

روش شناسي فرهنگ آفريني قرآن کريم

قرآن کريم براي آفريدن فرهنگي نوين، و زدودن فرهنگ جاهلي آميخته با واپس گرايي شرک و بت پرستي، لازم بود که جهشي نو و حرکتي پيوسته در جهت بازيافت توحيد ناب ـ و فراموش شده يا آلوده به مفاهيم مسخ شده و اساطير برخاسته از ذهنيتهاي حصار يافته با زنجيرهاي شرک و بت پرستي ـ را آغاز نمايد؛ به همين جهت، براي رسيدن به اين هدف بزرگ، روشي ويژه به کار گرفت.

ترتيب نزول آيات و سوره هاي قرآن کريم در دوران 13 ساله مکه و ده ساله مدينه مي تواند نشانگر اين روش باشد.

هر چند که اصول اين روش در چند کلمه خلاصه مي شود، اما پياده کردن و اجراي صحيح آن به زماني طولاني و آياتي فراوان و پيوسته نياز داشت، و آثار موفقيت روش قرآن را در تحقق يک جهش عظيم و آن هم در زماني بسيار اندک ـ با توجه به عمق تخريب فرهنگي ناشي از تحريف مفاهيم بلند آسماني، که در تعاليم ابراهيم خليل و تعليمات ناب موساي کليم و عيسي روح الله? تجلي يافته بود ـ مي توانيم لمس کنيم.

فرهنگ سازي و فرهنگ زايي قرآن کريم را در کنار آسيب زايي فرهنگ جاهلي بايد مطالعه نماييم، تا زيباييهاي فوق العاده و معجزة برتر اين کتاب الهي را به خوبي در يابيم.

روش منحصر به فرد قرآن کريم در زير و رو کردن مفاهيم و ارزشهاي جاهلي، و تحوّل فرهنگ جاهلي گروندگان به اسلام به فرهنگ متعالي و ناب الهي، با مطالعة دقيق آيات قرآن کريم آن هم (به ترتيب نزول) به دست مي آيد.

نقطة آغاز تحوّل را در مطلع سورة مبارکه علق و سپس در سورة حمد و مطالع سوره هاي مزمل، مدثر و قلم تا آخرين سوره که مائده باشد مي بينيم.

دستور خواندن، و فراگيري علم و معرفت، در يک محيط جاهلي و کاملاً بيگانه با علم و معرفت، توجه دادن به نام و نشان ربوبيت و پروردگاري، آفرينش و آفرينندگي و حرکت تکامل يافته هستي و انسان، بذل و بخشش و جود و کرم که براي يک عرب جاهلي بسيار معنادار و با ارزش است، و توجه دادن انسان به منبع بذل و بخشش و سرچشمة جود و کرم و سخاوت که در بخشش علم و معرفت بهترين تجلي را داشته است، و انسان را از تاريکي هاي ناداني به افقهاي پرفروغ دانايي رهنمون بوده، نشانگر يک جهش جديد و بسيار متفاوت با دنياي معروف علم در جهان آن روز مي باشد.

سير از آيات روشن و محسوس و ملموس الهي به سمت آيات نهفته و از ياد رفته، حرکتي بسيار زيبا، پر جاذبه و دقيق، با يک روان شناسي عميق بوده، که قله هاي معرفت را در دسترس همان انسان عصر جاهلي قرار داد. و با تکرار حکيمانه، و پيوستگي و آراستگي قالب هاي لفظي و مفاهيم بلند، و مراعات ظرفيتها و انگيزه ها و ايده آلها به صورتي عالمانه و انسان شناسانه يک تجربة بسيار بزرگ را عينيت بخشيد، و يک جهش عظيم نرم افزاري را پديد آورد که دانشمندان هنوز در حال مطالعة عميق آن هستند و بايد باشند.

آنچه مسلم و غيرقابل ترديد است، برکات و آثار مثبت اين روش الهي در قرآن کريم است که تمدن عظيم اسلامي مديون و مرهون آن مي باشد.

تمام محورهاي عنوان شده در آيات قرآن به ترتيب نزول هر چند به تنهايي امکان مطالعه را داراست، ولي به صورت پيوسته با ساير مفاهيم و منظومه وار و در يک جا و يک واحد همه جانبه و آن هم فراگير براي تمام زمينه هاي وجودي انسان و جهان، به گونه اي دقيق تر قابل مطالعه خواهد بود.

آيات ويژة مهدويت را به صورت جداگانه از ساير محورها و زمينه هاي مرتبط به آن

مي توانيم ببينيم، ولي مطالعة آن به صورت يک بخش از يک کلّ به هم پيوسته، مطالعه اي دقيق و عملي بوده و آن را بهتر مي توانيم دريابيم.

زيرسازهاي يک مفهوم و لوازم آن، و مفاهيم مرتبط به آن، در فهم بهتر آن مفهوم ـ در يک بررسي علمي ـ امري اجتناب ناپذير مي باشد.

زيرساختهاي مهدويت در قرآن کريم

1. هدايت به حق

2. امامت فراگير

هدايت به حق، روح امامت راستين بوده و محور اصلي تمام برنامه هاي الهي براي تکامل و پيشرفت صحيح و مطلوب انسان مي باشد.

هدايتي که خود حق است و انسانها را به سمت حق مي کشاند، تا با رسيدن به آن، و تحقق کامل آن، يک انسان هدايت يافته، امکان هدايت گري پيدا کند، و با رسيدن به قلة رفيع

حق شناسي، حق خواهي و حق پرستي، ديگران را به حق شناسي و حق خواهي و حق پرستي رهنمون باشد.

تمام تحولات هستي و جامعه انساني را بر محور حق، و با هدايت به امر قرار داده است.

هاديان الهي، هميشه خود هدايت يافتگاني هستند که هدايتگري مهمترين ويژگي آنان بوده، و يکي از آثار اين هدايت گري فراگير، امامت راستين آنان براي ديگران مي باشد.

بنابراين، اساس مهدويت را در اصل اصيل و اجتناب ناپذير "انّ علينا للهدي" بايد بيابيم، و سپس اين سير هدايتگري را در جامعه بشري تعقيب نموده، تا از راه همين ويژگي اساسي به امامان راستين دست يابيم، و اصول و افقهاي گسترده و قله هاي مرتفع اين هدايت را در کنار هم ببينيم، و کارکرد آن را در عرصه هاي به هم پيوسته زماني از لابه لاي سنتهاي تخلف ناپذير الهي به دست آوريم، تا اين که قلة رفيع اين يگانه محور تکامل بخش و تکامل آفرين را در اصل مهدويت راستين ببينيم.

پيروزي مسلّم حق بر باطل، و بطلان پذيري باطل ، و تجلي آن در ستم زدايي امامت راستين، و مقهور شدن مفتضحانة ستمگران، و سکانداري متقيان و صالحان و بدست گرفتن رهبري حرکت انسانها، به سمت اهداف والاي آفرينش، که در عبوديت گستردة آنان براي حق تجلي مي يابد، از آثار روشن و بينش عميق قرآن کريم در طرح حقيقت، و ابعاد و لوازم و نتايج طبيعي و منطقي (اصل هدايت الهي) مي باشد.

بنابراين، وراثت زمين از آنِ نيکان است، و پاکان از هر گونه شرک و بت پرستي و آلودگيهاي ستم و ستمگري در تمام سطوح زندگي و در تمام ابعاد آن؛ يعني عصمت و مصونيت از هرگونه انحراف، عهده داريِ حاکميت، در تمام اين کره خاکي، را پشت سر خواهد داشت.

و نياز اين امامت به مؤمنان صالح و صابر امري بديهي بوده و جهاد با کژيها و کژانديشي ها و کژانديشان را سرلوحة کار آنان قرار خواهد داد.

در اين مجموعه، نقش سنّتهاي تخلف ناپذير تاريخ، و نقش انسانها در تحولات فردي و اجتماعي جامعة انساني، و نقش انبيا و اوصيا در هدايتگري و کمال يابي انسان، و نقش

امتحان ها و آزمونهاي الهي در پيشرفت انسان و رسانيدن او به اهداف آفرينش، و نقش امامت راستين همه با همديگر ديده شده، و قرار گرفتن مهدويت در قلة رفيع امامت مسأله اي روشن خواهد بود.

باطل ستيزي براساس حق طلبي و حق خواهي، و ظلم ستيزي براي برچيده نمودن بساط باطل و ستم و شرک و بت پرستي براساس اصول شناخته شدة عدالت مدار، اصلاحي گسترده و فراگير را مي طلبد، و جهان انسانيت را با امامتي عدالت مدار، آرمان گرا و عبوديت پرور براي خالق يکتا آشنا مي سازد و پيوند مي دهد، و پايان حرکت انسان ها را در پيوند ناگسستني انسان با حق و عبوديتِ فرا گير و همه جانبه و تکامل زا رقم مي زند. که چهرة واقعي دين خاتم را چهره اي پرفروغ و بي بديل نشان داده (ليظهره علي الدين کله) ، و پرچم عبوديتِ پيوستة انسان ها را براي حق که تجلي ربوبيّت همه جانبه اوست بر افراشته خواهد نمود و (يعبدونني لايشرکون بي شيئاً) به بهترين شکل، و در رساترين قامت خود نمايان خواهد گشت.

و بدين ترتيب، دوران غيبتِ اسرار آميز، و انتظار شايسته، از فصلهاي به هم پيوستة اين حرکت راستين امامت و هدايت به امر خواهد بود.

و با سپري شدن فصل اين بارور شدن طولاني و دوران زمينه هاي تحقق آرمانهاي بلند الهي و مهدوي، و با رهنمود قرآني (وليبدّلنّهم من بعد خوفهم أمناً) بستري آرام از امنيت و آرامش را براي پرتوافشاني عبوديت تکامل يافته فراهم خواهد نمود.

دکترين هدايت و امامت در سوره هاي مکي

(اِنّ علينا للهدي) ؛ به درستي که هدايت بر عهده ما است.

راهنمايي، راهبري، دستگيري و هدايت گمراهان بر عهدة آفريننده و هدايتگر اصلي جهان؛ يعني خداوند متعال مي باشد.

امّا اين که چرا وظيفة اصلي هدايت گري بر عهده اوست؟ و چه کساني مي توانند عهده دار اين وظيفة بسيار اساسي در حرکت، تکاپو و تکامل کائنات ـ از جمله انسانها باشند ـ در آيه اي ديگر روشن شده است.

2. (أفمن يهدي الي الحق أحقّ أن يتّبع أم من لايهدّي اِلا أن يُهدي، فما لکم کيف تحکمون).

آيا کسي که به حق هدايت مي کند سزاوارتر است که پيروي شود يا اين که کسي که نيازمند به هدايت ديگران است؟ شما را چه شده است که در اين امر بسيار روشن و بديهي به خطا مي رويد؟

يعني چگونه مي پذيريد که هدايت گري بر عهده کسي باشد که خود نياز به آن داشته باشد؟

پر روشن است که نيازمند به چيزي نمي تواند دهندة آن به ديگران باشد (وفاقد الشيء لايعطيه).

بنابراين، هدايت گر اصلي بايد خود هدايت يافته باشد، و جز خدا هيچ کس چنين شايستگي را ندارد. و بر همين اساس، هدايت گران ديگر بايد در وهلة اول، خود هدايت يافته باشند. و پيامبران الهي بدون نياز به تعليم ديگران، خود معلّم آنان هستند و تعليمات خود را از منبع وحي دريافت مي نمايند و براي ديگران مشعل داران پرفروغ هستند، به همين دليل آنان سزاوار راهبري و راهنمايي گمشدگان، گمراهان و نيازمندان به هدايت هستند.

خداي منّان به خاتم پيامبران مي فرمايد:

3. (و وجدک ضالاً فهدي و وجدک عائلاً فأغني) .

"خدا تو را گمراه يافت پس هدايت کرد، و نيازمند يافت پس تو را بي نياز نمود".

اين امر بيانگر يک اصل اجتناب ناپذير و بسيار بديهي مي باشد. و براي تمامي انبيا همين راه مطرح بوده و مي باشد.

4. (اولئک الذين هدي الله فبهداهم اقتده) .

"همانا (پيامبران) کساني هستند که مشمول هدايت (مستقيم) الهي گشته پس به آنان اقتدا و از آنان پيروي کن."

5. (وجعلناهم أئمة يهدون بأمرنا و أوحينا اليهم فعل الخيرات) .

"و ما آنان را پيشوا (و پيشرو) قرار داديم، که با دستور و فرمان ما هدايت مي کنند، و به آنان از راه وحي، انجام نيکي ها را و آنچه که شايسته است تعليم نموديم."

بنابراين، زيرساخت امامت در قرآن کريم، همان هدايت است. هدايت به امر هم فقط توسط هدايتگر اصلي هستي ـ يعني خدا ـ تحقق مي پذيرد.

حال از اين سخن که هدايت وظيفة اصلي او است، و تمام نيازمندان به هدايت، توسط او هدايت مي يابند؛ چنين مي يابيم که تمام مردم، در همة اعصار و قرون بدون امام و پيشوا نخواهند بود.

اين اصل فراگير بودن امامت و راهبري را در سورة اسرا مي بينيم.

6. (يوم ندعو کل اناس بامامهم) .

"روزي که هر گروهي را با امامشان دعوت مي کنيم".

بنابراين، براي هر گروهي از مردم، امامي و پيشوايي منظور شده است و وظيفة آنان پيروي از او مي باشد.

امامت فراگير و همه جانبه و در طول زمان و به طور پيوسته، اصل اجتناب ناپذير قرآني است.

و اين در تمام مقاطع تاريخي تحقق يافته، و ابراهيم (خليل الرحمن) براي هدايت گري الهي منصوب شده و امامت و پيشوايي در اين نصب تجلي يافت، و سپس در نسل او ماندگار شد و استمرار اين امامت راستين به جهانيان اعلام شده است.

آنجا که مي فرمايد:

7. (وجعلها کلمة باقية في عقبه) .

"خداوند اين امامت و هدايت را در نسل او باقي و ماندگار قرار داد".

دکترين هدايت و امامت در سوره هاي مدني

1. در اولين سوره مدني چنين مي خوانيم:

(واذ ابتلي ابراهيم ربه بکلمات فاتمّهن قال اني جاعلک للناس اماما، قال و من ذريتي: قال لاينال عهدي الظالمين) .

و به ياد بياور آن زماني که پروردگار ابراهيم، ابراهيم را مورد آزمايش قرار داد و با کلماتي او را آزمود و ابراهيم آن کلمات را به انجام رساند و در اين آزمون موفق شد، و خدا او را به پيشوايي و امامت منصوب نمود. ابراهيم به پروردگارش عرض کرد: از فرزندانم نيز (امام قرار مي دهي)؟ پروردگارش فرمود: عهد من ـ امامت ـ به ستمگران نمي رسد.

يعني فرزندان ابراهيم که از ستمگري رها هستند به اين امامت مفتخر خواهند بود.

بنابراين، امامت الهي و راستين در نسل حضرت ابراهيم عليه السلام تداوم خواهد يافت، و علّت گزينش اين افراد براي پيشوايي، فقط شايستگي و پيشتازي آنان در مسير خيرخواهي اعلام شده است، و اين علت را در سوره هاي مکي ذکر نموده است. آنجا که مي فرمايد:

(ثم اورثنا الکتاب الذين اصطفينا من عبادنا... و منهم سابق بالخيرات باذن الله) .

به پيشوايان راستين، علم و دانش و کتاب را داده ايم. اين افراد مورد گزينش قرار گرفته اند... علت اين گزينش شايستگي آنان مي باشد ونشانة اين شايستگي پيشتازي آنان در انجام نيکي ها و خيرات (و خيرخواهي) مي باشد، که آنان را بر ديگران مقدّم مي دارد.

2. در سوره نساء ـ که ششمين سورة مدني است و در آغاز مرحلة تأسيس و راه اندازي حکومت الهي در مدينه نازل گرديده ـ مسأله ولايت امر و حاکميت الهي توسط پيامبر مطرح مي باشد دستور اطاعت و فرمانبرداري همه جانبه و بي چون و چرا به مؤمنان داده مي شود، و مؤمنان به لوازم پيامبري و حاکميت توجه داده مي شوند. آنجا که مي فرمايد:

(اطيعواالله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منکم) .

"فرمانها و دستورات خدا را گردن نهيد و همچنين دستورات پيامبر و دارندگان فرمان، از خودتان را".

يعني فرمانبرداري همه جانبه، لازمة حاکميت خدا و پيامبر و فرمانداران تعيين شده از طرف او مي باشد.

دارندگان امر و فرمانداران مورد نظر قرآن کريم چه کساني هستند؟

در دهمين سورة مدني؛ يعني سورة رعد خط کلي اين اصل فراگير رانيز توضيح و پايه گذاري نموده است. هدايت گري، روح اين فرماندار بودن و پيشوايي است که اصلي فراگير و مستمر در طول تاريخ خواهد بود.

3. بنابراين، در سورة رعد که دهمين سورة مدني است، اصل ضرورت استمرار هدايت ـ که زيرساخت و روح امامت است ـ بيان شده است، و پيامبر را بيم دهنده اي که براي نسلهاي حاضر و آينده فرستاده شده، معرفي نموده، و در کنار او هدايت کننده اي براي هر قوم و هر نسل تثبيت شده است.

(انما أنت منذر و لکل قوم هاد) .

و در آيات بعدي اين هدايت گري که در امامت و ولايت امر تجلي يافته مطرح مي شود، و فرد مورد نظر را با مشخصات روشن و دور از هر گونه ابهام بيان مي کند.

4. سورة مائده که آخرين سورة قرآن به ترتيب نزول مي باشد، عهده دار توضيح کافي و تثبيت اين اصل امامت راستين است که با آيات گوناگون وناظر به هم، که درآغاز و در لابه لاي آيات سورة مائده گنجانده شده است، منجَز و محقَّق بودن اين اصل، و به عنوان عنصر کمال دهندة دينِ مبين اسلام مطرح شده است.

آنجا که مي فرمايد:

5. (اليوم يئس الذين کفروا من دينکم فلا تخشوهم واخشون، اليوم اکملت لکم دينکم و اتممت عليکم نعمتي و رضيت لکم الاسلام دينا) .

با توجه به ترتيب نزول آيات مربوطه در اين سوره، پيش از اين آيه سوم که در صدر سوره آمده، آية شريفه (67) نازل گرديده بود؛ يعني:

6. (يا ايها الرسول بلّغ ما انزل اليک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته والله يعصمک من الناس، ان الله لايهدي القوم الکافرين) .

که در اين آيه دستوري قاطع و دندان شکن و تهديدي بزرگ براي تخلّف از ابلاغ اين دستور ـ که آخرين دستور از دستورات اساسي دين مبين اسلام است ـ مطرح شده است.

7. البته پيش از آيات ويژة حجة الوداع، آية شريفه 55 در سوره مائده و در مناسبتي پيش از حجةالوداع، ولايت امر را در ولايت خدا و پيامبر و مؤمناني که ويژگيهاي آنان در آيه و به صورت منحصر به فرد ـ البته با اشاره به حادثة معروف صدقه دادن يک انگشتري توسط حضرت علي عليه السلام در حال نماز ـ حصر شده است.

اين تسلسل آيات، نشانگر تدرّج قرآن کريم در مطرح نمودن اصل امامت راستين است، که مرحله به مرحله بايد مسلمانان با اين اصل آشنا شده و آن را در فرهنگ خود به گونه اي نهادينه شده ببينند.

و با تحکيم پايه هاي اين اصل استوار اسلام که نشانگر ابديت و جهاني بودن و به روز بودن اسلام است و هيچ گونه جاي گزيني نيز ندارد، در آيه هاي مکي و مدني، به طور موازي اصول و شعارهاي استراتژيک اصل راستين مهدويت و عدالتخواهي فراگير اسلام نيز مطرح شده است، و پا به پاي اصل هدايت و امامت، شعار عدالت طلبي و عدل گستري اسلام همراه با روش صحيح، پايه گذاري، وگسترش اين فرهنگ در جامعه اسلامي و انساني به چشم مي خورد.

و اينک به مهمترين آيات مربوط به اين اصل اشاره مي شود.

دکترين مهدويت در سُوَر و آيات مکي قرآن کريم

دکترين مهدويت داراي اهداف بلند، روشن، انساني و اسلامي است.

عدالت شايستة اسلام در گسترة جهان، در آن روزهاي تاريک چگونه مطرح مي گردد تا مايه اميدواري گرديده، گرايش به اسلام را در وجود مخاطبان رسالت پيامبر برانگيزاند؟

1. آيات سورة مبارکه عصر پايه هاي استوار و روش صحيح نجات انسانيت از تباهي و خسران را مطرح و مورد تأکيد قرار مي دهد؛ به گونه اي که در آن روزها، اعراب جاهلي متوجه خطير بودن پيام جهاني اسلام نمي شدند، و نمي توانستند متوجه عظمت اين ايده بي بديل باشند، وگرنه با تمام وجودِ خود و با رفتن زير پوشش اسلام، سعي مي کردند تا به آرزوهاي بلند خود جامه عمل بپوشانند. شاهد اين مطلب اين است که بني اميه وقتي که به تسليم شدن در برابر پيامبر ناچار شدند، سعي کردند که تمام اهداف توسعه طلبانه خود را با نام اسلام و با شعار حکومت و خلافت اسلامي جامه عمل بپوشانند.

قرآن کريم چهار اصل: ايمان، تلاش گسترده و همه جانبه (عملوا الصالحات)، و سفارش همديگر به حق (حق مداري و حق خواهي)، و سفارش همديگر به صبر و استقامت و پايداري را يگانه راه رسيدن به جامعه مطلوب و گسسته از تباهي مي داند که اين جامعه جامعه اي آرماني و انساني و فرامادّي خواهد بود.

2. در سورة اعراف، آيه 128 نيز وراثت زمين را از آن جامعة با تقوا مي داند و مسير طبيعي تاريخ را به سمت انتخاب اصلح و احسن که در جامعه متقين تبلور مي يابد ترسيم مي نمايد.

3. در سورة انبيا آيات 105 و 106 نيز وراثت زمين را از آنِ بندگان نيک و صالح و شايستة خدا قلمداد نموده است؛ بندگاني که عبوديت خدا را سرلوحة وجود و حرکت خود قرار داده اند.

(ان الارض يرثها عبادي الصالحون. ان في هذا لبلاغاً لقوم عابدين) .

4. در حالي که در سورة قبل از اين سوره، به ترتيب نزول؛ يعني سورة مبارکه ابراهيم، سنّت نابودشدن ستمگران ووراثت نمودن خدا باوران وخداترسان مطرح شده ومورد تأکيد قرار مي گيرد.

(فاوحي اليهم ربهم لنهلکنّ الظالمين و لنسکننّکم الارض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامي و خاف وعيد. واستفتحوا و خاب کل جبار عنيد) .

5. همين معنا در مطلع سورة قصص که چهل و نهمين سوره به ترتيب نزول است دربارة فرعون، هامان وکارگزاران آنان مطرح مي شود. و وراثت زمين به مستضعفان را عنوان مي نمايد.

6. در شصت و هفتمين سورة مکي؛ يعني سوره ذاريات، هدف نهايي آفرينش؛ يعني عبادت حق مورد تأکيد قرار مي گيرد تا هماهنگي هدف آفرينش با هدف ارسال پيامبران و وراثت زمين توسط صالحان با تقوا اعلام گردد، و مهدويت، نويد بخش تحقّق تمام اهداف آفرينش باشد.

دکترين مهدويت در سوره هاي مدني قرآن کريم

چنانچه اهداف و شعارهاي دولت مهدوي را در سوره هاي مدني دنبال کنيم خواهيم ديد که يک خط سير تکاملي در طرح شعارها و اهداف اين دولت موعود وجود دارد، و آيات سوره هاي مدني مصرّانه و مبتکرانه با توجه به زيرساختهاي مطرح شده ـ و به گونه اي هماهنگ با اهداف و سنّتهاي ياد شده در آيات سوره هاي مکي ـ حکومت عدل جهاني و اسلامي را قاطعانه و بسيار آشکار و به عنوان يک استراتژي اسلامي قرآني در آينده اي نه چندان دور، و به عنوان يک ارزش دست يافتني مطرح مي نمايد.

1. در هفدهمين سورة مدني؛ يعني سورة مبارکة نور و در آيه 55 صريحاً وعده اي الهي؛ آن هم وعده اي براي مؤمنان شايسته، و گروه صالحان نيک انديش و نيکوکار از ميان مسلمانان داده شده است، و خلافت الهي را در گسترة زمين همراه با اقتدار ديني و معنوي، و همراه با امنيت همه جانبه و جهاني؛ آن هم براساس حق پرستي و حق مداري توسط اين جمع از مؤمنان پيش بيني نموده، و اين وعدة الهي همراه با بشارت و اميدواري مقتدرانه در جبين اين سورة سراسر نور و روشنايي مي درخشد، که جا دارد هر مؤمني آن را هميشه ورد زبان خود قرار دهد و آن را براي خود و ديگران زمزمه کند و شعار خود قرار دهد تا در مراحل سازندة انتظار، در راستاي آن به گونه اي حرکت کند و امکانات خود را بسيج نمايد تا به راز نهفتة انتظار به طور صددرصد نايل گردد.

(وعدالله الذين آمنوا منکم و عملوا الصالحات ليستخلفنّهم في الأرض کما استخلف الذين من قبلهم و ليمکننّ لهم دينهم الذي ارتضي لهم وليبدّلنهم من بعد خوفهم أمناً يعبدونني لايشرکون بي شيئاً).

در اين آيه حداقل به ده ويژگي مهم اشاره شده است و اين ويژگي ها ويژگيهاي دوران ظهور است و همچنين به ويژگي هاي مؤمنان در دوران انتظار سازنده نيز اشاره نموده، و تکليف

مؤمنان را در دوران انتظار نيز روشن کرده است.

2. برنامه تفصيلي اين دولت عدل مدار و جهاني که در قرآن وعده آن آمده است و راهبر و تحقق بخش آن توسط خداوند هادي و خداوند هدايت گر است، در سورة مبارکة حج ـ که يکصد و چهارمين سوره در ترتيب نزول و هجدهمين سورة مدني است ـ مطرح مي شود، آنجا که مي فرمايد:

(الذين إن مکّناهم في الارض، أقاموا الصلاة و آتوا الزکاة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور).

که با توجه به آية 55 سورة نور، همان تمکين مطرح شده، در آنجا نيز تکرار شده و به گونه اي روشن تر مورد بحث قرار مي گيرد، و همچنين عبادت حق که با (يعبدونني لايشرکون بي شيئاً) به اجمال مطرح شده، در برنامه اي تفصيلي و فراگير؛ يعني: اقامة نماز، پاسداري از زکات، امر به معروف و نهي از منکر که وظيفه اي فراگير و همه جانبه مي باشد، به عنوان شاخصهاي اصلي اين حکومت مقتدر مهدوي (و هدايت يافته) خواهد بود.

3. در آية نهم از سورة مبارکة صف، که يکصد و يازدهمين سوره به ترتيب نزول و بيست و پنجمين سورة مدني است، هدف نهايي رسالت خاتم پيامبران، در مقايسه اي با ساير رسالتهاي گذشته، هدفي عالمانه و هدايت گرانه و شفاف ترسيم مي شود و کمال هدايت گري و آنچه که هدايت شمرده مي شود مطرح مي گردد و دين و آييني که سراسر، حق است و با حق فرستاده شده است؛ آن هم با چشم اندازي جهاني و قيمومت و اقتداري فراجناحي و فراديني مطرح

مي شود، و با تعبير (ليظهره علي الدين کله) و سپس با پسوندي بسيار گويا و پر معنا و با تعبير (ولو کره المشرکون)؛ "هر چند که مشرکان ناخشنود باشند" و عليرغم خواست آنان، اين اقتدار و اين حاکميت ديني تحقق مي پذيرد. اين تکامل در طرح و در ترسيم اهداف رسالت خاتم پيامبران به سمت نهادينه کردن اين فرهنگ و اين اهداف جهاني حرکت مي کند و در همين محور شاهد تحولي چشم گير در تثبيت اين حقايق خواهيم بود.

4. در سورة مبارکة فتح که يکصد و دوازدهمين سوره به ترتيب نزول است همين تعبير مطرح شده در سورة صف نيز آمده است، ولي در آخر آيه به جاي (ولو کره المشرکون)، جملة (وَکفي بالله شهيدا) به چشم مي خورد که بيانگر رعايت و هدايت و نظر مستقيم الهي بر اين حرکت تکاملي تاريخ، و سنّت جريان يافته الهي مي باشد.

5. و بار ديگر؛ يعني براي سومين بار در آية 33 از سورة مبارکة توبه، که يکصد و سيزدهمين سوره به ترتيب نزول مي باشد همان آية سورة صف تکرار مي شود تا اين اصل اساسي و چشم انداز حکومت اسلامي مهدوي بدون شک و ترديد و با لحني قاطعانه براي تمام نسلها باقي بماند و ماندگار گردد.

6. البته در هر دو سورة صف و توبه نبايد از تکرار يک آية مهم چشم پوشي کنيم. آيه اي که تمام تلاشهاي ستمگران را نقش بر آب نموده و تمام نقشه هاي تخريبي آنان را که در جهت انهدام دين مبين اسلام انجام مي پذيرد، بسيار پوچ و بي ارزش و بي نتيجه قلمداد مي کند.

در سورة صف چنين آمده است:

(يريدون ليطفؤا نورالله بأفواههم والله متم نوره...) .

آنها مي خواهند که نور خدا را با فوت دهان خود خاموش کنند، در حالي که خدا نورش را تمام نموده و رسالت خاتم پيامبران را به اهداف نهايي آن مي رساند. هر چند که کافران ناخشنود باشند و هيچ گونه تمايلي نداشته باشند که اسلام آشکار شود و بر خلاف ميل آنان اهداف رسالت تحقق مي پذيرد.

و همين مفاهيم و واژه ها در سورة مبارکه توبه تکرار شده است، اما با يک نکتة بسيار نغز که هر گونه ترديد و احتمال عقب نشيني يا تخلّف در متن ارادة الهي را نفي مي کند و با استفاده از کلمة مفيد حصر مي فرمايد:

(و يأبي الله الاّ اَن يتمّ نوره) .

"و او نمي خواهد مگر اين که نور خود را تمام کند".

يعني خدا اصرار دارد که نور خود را تمام کند.

و بدين ترتيب با اين مقدمة گويا اهداف رسالت برفراز تاريخ به سوي قله اي دست يافتني، مسلمانان را بسيج مي نمايد. و تمام تلاشهاي کافران و مستکبران را در دوران انتظار، پوچ،

بي فايده و بي حاصل نشان مي دهد، و ارادة الهي که از آستين مؤمنان راستين و هدايت گران صادق در مي آيد به منصّة ظهور مي رسد.

7. و بالأخره، با دست با کفايت امامت راستين، تمام اميدهاي کافران به يأس مبدّل مي شود و ديگر ترس از آنان و نقشه هاي جهنمي و خانمان برانداز آنان معنا ندارد.

(اليوم يئس الذين کفروا من دينکم فلا تخشوهم واخشون) ؛ و با توجه به امامت راستين، که بر قلة بلند آن حکومت عدل مهدوي و امامت هدايت گر علوي ارزشهاي الهي را در متن

برنامه هاي خود تجسّم مي دهد، دين پيامبر خاتم، ديني کامل و تمام عيار گشته، هيچ گونه نقص و کاستي نداشته، و از هر گونه عيب و آفتي مبرّا مي باشد.

(اليوم أکملت لکم دينکم واتممت عليکم نعمتي ورضيت لکم الاسلام ديناً) .

با نصب امامان راستين و تحقق اهداف کلان امامت راستين، دين شما کامل مي گردد و نعمت خدا بر شما نعمتي تمام و کمال گشته، و اسلام دين مرضي و مورد پسند حق براي خلق شده است.

بنابراين، بايد تمام اهداف امامت راستين تجلي يابد تا کمال دين در عرصة هستي رخ نمايد و تمام اهداف آفرينش را در سراسر گيتي به منصّه ظهور برساند.

سخن آخر

ختم سخن در اين مقاله و راهي که طي نموديم در سه مرحله قرار داشت:

مرحله يکم: بدست آوردن روش قرآن کريم در عرصه فرهنگ آفريني تا در پرتو آن به روش قرآن در عرضه دکترين مهدويت بپردازيم.

مرحله دوم: زيرساختهاي دکترين مهدويت را در قرآن کريم در اصل هدايت فراگير و اصل امامت فراگير و راستين يافتيم، و نحوة طرح آن را در سوره هاي مکي و سپس در سوره هاي مدني پي گيري نموديم.

مرحله سوم: روش مطرح نمودن اصول و اهداف دکترين مهدويت را در سوره هاي مکي و سپس در سوره هاي مدني تعقيب نموده، روش نهادينه شدن مفاهيم اصلي و ساختار دکترين مهدويت را بدست آورديم.